

راهبردهای کارآمدسازی کنشگری اجتماعی طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی

کریم خان محمدی^{*}، زهره غفاری نژاد^{**}

چکیده

طلاب و روحانیون، به‌عنوان کنشگران فعال و عناصر اصلی نهاد دین، نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید و بازتولید ارزش‌های اسلامی ایفا می‌نمایند. پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش فناوری‌های نوین، عرصه جدیدی را برای کنشگری دینی و اجتماعی این قشر گشوده است و کنشگری تبلیغی و اجتماعی آنان را به سمت رسانه‌ها و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی سوق داده است. در این فضا، بانوان طلبه به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه، ظرفیت بالایی برای کنشگری علمی - اجتماعی در عرصه‌های متنوع دارند. شبکه اجتماعی تخصصی «کوثر نت» با اتصال بیش از صد هزار زن حوزوی به سیستم‌های حوزه‌های علمیه خواهران، ظرفیت قابل توجهی برای کنشگری علمی، پژوهشی و اجتماعی فراهم کرده است. اما شبکه مزبور با چالش‌های بنیادینی مواجه است که باعث می‌شود کوثر نت نتواند به بستری اثرگذار برای فرهنگ‌سازی، تبیین معارف دینی و دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی تبدیل شود. این پژوهش در پی شناسایی موانع و ارائه راهبردهای کارآمدسازی کنشگری طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی، با رویکردی کیفی در مرحله جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک مصاحبه و در مرحله تحلیل اطلاعات از تحلیل مضمون اکتشافی بهره برده است که امکان کشف و تبیین مضامین و الگوهای پنهان را فراهم می‌آورد. تحلیل مضمون کیفی داده‌های گردآوری شده، منجر به شناسایی چهار مضمون فراگیر شامل «توانمندسازی»، «چالش‌ها»، «توسعه پلتفرم» و «ویژگی‌های کنشگران» را به همراه مضامین سازمان‌دهنده، مضامین پایه و ارتباطات متقابل و پویای میان آن‌ها را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌ها، چالش‌های فنی، آموزشی، مالی و ضعف در ترجمه اهداف به اقدامات عملی از موانع اصلی‌اند.

واژگان کلیدی

طلبه خواهر، شبکه‌های اجتماعی، کوثر نت، فضای مجازی، حوزه

*. استاد فرهنگ و ارتباطات، گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
(khanmohammadi49@yahoo.com)

** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران (z.qafary@whc.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

۱. مقدمه و بیان مسئله

عصر حاضر به طور بی‌سابقه‌ای با فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی هم‌پیوند شده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی به اصلی‌ترین بسترهای ارتباط، تبادل اندیشه، سازمان‌دهی روابط اجتماعی و بازتعریف هویت و قدرت تبدیل شده‌اند و به طور قابل توجهی تولید و انتشار گفتمان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۵۹).

این فضا فرصت‌های فراوانی را ایجاد می‌کند، در عین حال تهدیدهایی مانند نهادگرایی، تشویش هویتی، مرززدایی فرهنگی و اشاعه اخبار جعلی را نیز به همراه دارد. در این زمینه، طلاب و روحانیون به‌عنوان کنشگران فعال و عناصر اصلی نهاد دین، نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید و بازتولید ارزش‌های اسلامی ایفا می‌نمایند. پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش فناوری‌های نوین، عرصه جدیدی را برای کنشگری دینی و اجتماعی این قشر گشوده است و کنشگری تبلیغی و اجتماعی آنان را به سمت رسانه‌ها و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی سوق داده است. در این فضا، بانوان طلبه به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه و بازیگران کلیدی در تحولات اجتماعی ایران، ظرفیت بالایی برای کنشگری علمی - اجتماعی در عرصه‌های متنوع دارند (ذاکری، اطهری، عباسیان نژاد، ۱۳۹۸: ۴۷).

شبکه اجتماعی تخصصی «کوثر نت» با اتصال بیش از ۵۰ هزار زن حوزوی به سیستم‌های حوزه‌های علمی علمیه خواهران، ظرفیت قابل توجهی برای کنشگری علمی و سازمانی فراهم کرده است. با این حال، این شبکه با چالش‌های بنیادینی روبروست که محدودیت در دامنه مخاطبان به خانواده‌های طلاب و کیفیت تعامل را به همراه دارد. به عنوان نمونه، محدود بودن مخاطبان به درون گروه حوزویان، فقدان اتصال ارگانیک به پلتفرم‌های عمومی (مانند اینستاگرام یا توئیتر) و ساختار ارتباطی یک‌سویه یا محدود در این شبکه، خطر تبدیل شدن آن به یک «حلقه‌ی بسته‌ی ارتباطی» را افزایش می‌دهد. این انزوای ارتباطی - که در فقدان بازخورد مؤثر از جامعه عمومی و ناتوانی در تاثیرگذاری گسترده رصد می‌شود - می‌تواند در بلندمدت به حاشیه‌رانی کنشگری رسانه‌ای طلاب خواهر در گفتمان عمومی بینجامد.

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش بررسی موانعی است که باعث می‌شود کوثر نت نتواند به بستری اثرگذار برای فرهنگ‌سازی، تبیین معارف دینی و دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی تبدیل شود. این پژوهش در پی شناسایی موانع و ارائه راهبردهایی برای افزایش کارآمدی کنشگری بانوان طلبه در فضای مجازی است.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین مرتبط با این موضوع در دو رویکرد «کنشگری حوزویان در شبکه‌های اجتماعی مجازی» و «کنشگری طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی» قابل تفکیک است که در ادامه آمده است.

صلواتیان (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «درآمدی بر سیاست‌گذاری آموزش سواد رسانه‌ای به طلاب در حوزه‌های علمیه به بررسی ضرورت و الزامات آموزش سواد رسانه‌ای به طلاب در حوزه‌های علمیه با توجه به جایگاه ویژه این قشر در هدایت دینی جامعه پرداخته است.

کاظمی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی «نقش طلاب کنشگر در شبکه اجتماعی اینستاگرام» پرداخته است. از منظر او انسان در حوزه فناوری منفعل نیست بلکه به آن معنا می‌دهد و با پذیرش اقتضائات هر رسانه، آن را در اختیار خود و در راستای اهداف مد نظر بازتعریف می‌کند.

مهدی آسا (۱۴۰۱) در پایان‌نامه خود به مطالعه «آسیب‌های اخلاقی کنشگری کاربران حوزوی در شبکه‌های اجتماعی» پرداخت. نتایج یافته‌های او نشان داد که کنشگر حوزوی به‌عنوان یک فاعل اخلاقی، همواره لازم است در تمام ابعاد کنشگری خود، پایبند به اصول و ارزش‌های اخلاقی باشد و ترویج اخلاق و زیست اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی، به رشد اخلاقی کاربران کمک کند.

کریمی در دشتی و دیگران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی فعالیت‌های بانوان طلبه در شبکه اجتماعی اینستاگرام در ایام شیوع کرونا» فعالیت‌های بانوان طلبه در دوران کرونا را در سه گونه ترویج سبک زندگی، معرفت‌افزایی دینی و فعالیت‌های جهادی کروناپی‌خانگی، دسته‌بندی می‌کنند.

جلالی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «سیستم پیشنهاددهنده هم‌پژوهشی؛ مورد مطالعه: شبکه اجتماعی کوثر نت» بر این باور است که ذهنیت تولیدکنندگان محتوا در شبکه اجتماعی کوثر نت به‌عنوان یک شبکه اجتماعی ویژه طلاب شاغل به تحصیل در حوزه علمیه خواهران قم، ایجاد بستر مناسب برای رشد و پیشرفت کاربران است. با توجه به این که در شبکه اجتماعی کوثر نت می‌توان کاربران را با اهداف پژوهشی به یکدیگر مرتبط کرد، بنابراین، طراحی و توسعه سیستم پیشنهاددهنده هم‌پژوهشی قابل توجیه بوده است.

شیرانی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «هم‌افزایی کاربران در شبکه علمی اجتماعی کوثر نت با استفاده از روش‌های خوشه‌بندی مبتنی بر گراف» با استفاده از داده‌های شبکه اجتماعی کوثر نت، به مطالعه روابط بین کاربران طلبه خواهر این شبکه پرداخته است و سپس با استفاده از سه الگوریتم «لووین»، «کی‌میانگین» و «سلسله‌مراتبی»، به خوشه‌بندی گراف پرداخته است.

با وجود این سوابق نیاز به تحقیقات بیشتر در زمینه راهبردهای کارآمدسازی کنشگری طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی و اهمیت آن در توسعه فرهنگ دینی و اخلاقی جامعه وجود دارد. زیرا هیچ‌کدام رویکرد کارآمدسازی ندارند. لذا در زمینه کنشگری طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی کارآمدسازی باید همزمان در هر سه سطح فردی، نهادی و گفت‌مانی دنبال شود تا اثربخشی پایدار و حداکثری ایجاد شود.

از این‌رو، تحقیق حاضر با رویکردی کاربردی بر طلاب حوزه‌های علمیه خواهران و کاربران شبکه اجتماعی مجازی «کوثرنت» متمرکز خواهد شد. مطالعه موردی بر روی شبکه‌های اجتماعی مخصوص طلاب خواهر با تمرکز بر شبکه کوثرنت و تحلیل دقیق و جامع راهبردهای کنشگری آنان در این فضا، تلاش می‌کند رویکردی فعال برای رویارویی خواهران طلبه با شبکه‌های اجتماعی مجازی داشته باشد و الگویی مطلوب از کنشگری طلاب خواهر در این شبکه‌ها ترسیم نماید.

ترسیم و تدوین الگوی جامع کنشگری فعال طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی، بر پایه رویکرد ادغامی کنشگری دینی (با محوریت عمق محتوایی و اصالت اعتقادی) و کنشگری رسانه‌ای (با تأکید بر کارآمدی فنی و جذابیت فرمی)، به منظور توانمندسازی طلاب برای یک رویارویی پیشگامانه، هدفمند و تأثیرگذار در فضای سایبر است.

۳. چارچوب مفهومی

این پژوهش بر اساس سه مفهوم کلیدی «کنش اجتماعی»، «شبکه‌های مجازی» و «طلاب خواهر» سامان یافته است. پس از تعریف هر کدام، با برقراری نسبت منطقی بین آنها، به چارچوب تحلیلی دست خواهیم یافت.

الف- کنش اجتماعی: «کنش»^۱ در برابر «رفتار»^۲ عملی است آگاهانه و عمدانه که حاوی معنایی خاص است (ویر، ۱۳۹۲: ۱۳۳). اما «کنش اجتماعی»^۳ به عملی اطلاق می‌گردد که در آن رفتار فرد باتوجه به حضور و انتظارات دیگران تنظیم می‌شود (شارون، ۱۳۷۹: ۶۴). به بیان دیگر، در این نوع کنش، توجه به دیگران امری ضروری است و پیامی با ابعاد اجتماعی و معنایی منتقل می‌کند. از این‌رو، شهید صدر بر همین جنبه تأثیرگذار تأکید کرده و آن را «فعل اجتماعی و تاریخی» می‌نامد (صدر، ۱۳۸۸: ۱۷۷).

1. action
2. behavior
3. Social Action

در سطح کلان‌تر، مفهوم «کنشگر» از نگاه کاستلز تعریف می‌شود که دامنه وسیعی از عوامل، از جمله افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و شبکه‌ها را در برمی‌گیرد. با وجود اینکه این نهادها ممکن است در گذشته نهادینه یا ساختارمند شده باشند، نکته حائز اهمیت این است که در تحلیل نهایی، همه آنها به عملکرد و کنش عاملان انسانی اشاره دارند و ریشه در اقدامات معنا ساز آنان دارند. این رویکرد، ابزاری تحلیلی برای بررسی کنش‌ها در عرصه اجتماعی و به‌ویژه در مطالعات رسانه‌ای فراهم می‌سازد (Castells, 2009: 68).

کنشگری اجتماعی به‌عنوان یک فرایند پلکانی در نظر گرفته می‌شود که در چهار مرحله اصلی محقق می‌گردد: ابتدا، کنشگران برای اقدام و دستیابی به یک هدف، انگیزه لازم را کسب می‌کنند. سپس، به جستجوی راه‌های ممکن برای رسیدن به آن هدف می‌پردازند. در مرحله سوم، بر موانع پیشرو غلبه کرده و نهایتاً تمامی این مراحل در درون بستر یک نظام اجتماعی و نهادهای وابسته به آن صورت می‌پذیرد. بر این اساس، کنش اجتماعی یک فعالیت ارادی و آگاهانه انسانی است که با در نظر گرفتن دیگران شکل می‌گیرد. این کنش همواره متوجه اشخاص، امور یا واقعیت‌هایی است که در بستر کنش دیگران محقق شده یا مورد انتظار آنان است (پارسایان، ۱۴۰۱: ۵۲-۵۱).

۳۵

در این چارچوب، کنشگری طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی، مصداقی بارز از یک کنش اجتماعی معنادار، هدفمند و معطوف به دیگری به شمار می‌رود که غالباً در برابر تحریف‌ها، پاسخ به چالش‌ها، جبران کاستی‌ها یا تأمین نیازهای اجتماعی- فرهنگی شکل می‌گیرد.

این کنشگری برای طلاب و مخاطبان آنان حاوی معنا بوده و می‌تواند اهدافی همچون تبلیغ دین، ترویج ارزش‌ها، دفاع از حقوق زنان، بیان دیدگاه‌ها یا ارائه کمک به دیگران را دنبال کند. اهداف عینی این کنش‌ها می‌تواند شامل افزایش آگاهی عمومی، تغییر نگرش‌ها، ترغیب به رفتارهای خاص، ایجاد همدلی و حتی تأثیرگذاری بر سیاست‌ها باشد. در عمل، این کنشگری از طریق انتشار محتوا و تعامل مستقیم با مخاطبان، در پی تأثیرگذاری بر افکار و احساسات آنان است و اغلب پاسخی است به مسائل اجتماعی جاری، انتقادات وارد بر اسلام، یا فرصت‌های منحصر به فردی که فضای مجازی در اختیار می‌گذارد. بدین ترتیب، فرایند پلکانی کنش اجتماعی طی مراحل زیر محقق می‌شود:

- انگیزش: کسب انگیزه برای اقدام (مانند تبلیغ دین یا دفاع از حقوق زنان).
- جستجوی راه‌ها: شناسایی راه‌های ممکن در بستر فضای مجازی.
- غلبه بر موانع: مقابله با چالش‌های درونی (مانند ملاحظات نهادهای سنتی) و بیرونی (مانند محدودیت‌های پلتفرم یا حجمه‌های فکری).

- تحقق در بستر نهادی: تمامی مراحل در درون یک نظام اجتماعی و نهادهای وابسته (حوزه علمیه، جامعه ایرانی و فضای قم) صورت می‌پذیرد.

ب- شبکه‌های مجازی: «شبکه‌های اجتماعی»^۱ در تعریف کلاسیک خود، به مجموعه‌ای از نهادها (افراد و سازمان‌ها) اطلاق می‌شوند که از طریق روابط اجتماعی معنادار به یکدیگر متصل بوده و حول محور اشتراک‌گذاری ارزش‌ها با یکدیگر تعامل دارند. درحالی‌که شکل سنتی این شبکه‌ها بر روابط مستقیم و چهره‌به‌چهره متمرکز بود، خدمات شبکه‌های اجتماعی امروزی عمدتاً بر جوامع مجازی آنلاین و ارتباطات مبتنی بر رایانه استوار هستند (Boyd & Ellison, 2007: 212). از منظر فنی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، پلتفرم‌های مبتنی بر «وب» هستند که این امکان را برای کاربران فراهم می‌سازند تا پروفایل‌های شخصی (عمومی یا خصوصی) ایجاد کرده با سایر اعضا ارتباط برقرار نمایند و به ایجاد اتصالات و پیوندهای جدید اجتماعی اقدام کنند؛ بنابراین، یک پلتفرم مبتنی بر وب با فراهم‌آوردن پروفایل‌های شخصی، امکانات اشتراک‌گذاری منابع و ابزارهای تعاملی، ایجاد اتصالات و پیوندهای جدید اجتماعی را ممکن می‌سازد (Pempek & et al, 2009: 227-238).

در نقش و کارکردی کلان‌تر، این شبکه‌ها در عصر حاضر به‌عنوان رسانه‌های نوظهوری در نظر گرفته می‌شوند که تأثیراتی بنیادین بر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برجای گذاشته‌اند. آن‌ها با فراهم‌آوردن بسترهای تعاملی گسترده، نقش مؤثری در افزایش مشارکت شهروندی در فرایندهای مختلف ایفا می‌کنند. با این وجود، گسترش این پدیده با چالش‌ها و آسیب‌های متعددی نیز همراه بوده که از جمله آن‌ها می‌توان به مسائل مربوط به حریم خصوصی، حقوق مالکیت فکری، اعتیاد دیجیتال، سوءاستفاده از کودکان و سرقت اطلاعات و هویت اشاره نمود (Boyd & Ellison, 2007: 212). ویژگی‌های مؤثر شبکه اجتماعی عبارت‌اند از:

- تعامل‌گرایی: امکان گفت‌وگوی دوسویه با مخاطب را فراهم می‌آورد.
- چندرسانه‌ای بودن: به کنشگران اجازه می‌دهد از متن، عکس، صوت و ویدئو برای انتقال پیام استفاده کنند.
- شبکه‌سازی: بستری برای شکل‌گیری جامعه‌ای حول ارزش‌های مشترک دینی و اجتماعی فراهم می‌کند.

- دسترسی گسترده و پیوستگی: امکان تأثیرگذاری بر مخاطبان وسیع و حفظ تداوم ارتباط را میسر می‌سازد.

- چالش‌های ذاتی: این فضا هم‌زمان با چالش‌هایی مانند مسائل حریم خصوصی، همجمله‌های فکری و انتظارات نهادهای سنتی همراه است که کنشگران باید بر آن غلبه کنند (آزربخش، ۲۰۱۲: ۹-۱۱).
ج- «طلاب خواهر»: در این پژوهش طلاب خواهر به‌عنوان کنشگر اجتماعی^۱ در نظر گرفته می‌شوند که دارای هویت دوگانه هستند:

عاملیت فردی: به‌عنوان افراد آگاه و عاملی که با اهداف مشخص (تبلیغ، ترویج ارزش‌ها، دفاع، بیان دیدگاه) اقدام می‌کنند.

تعلق نهادی: به‌عنوان بخشی از نهاد سنتی حوزه علمیه که کنش‌های آنان تا حدی متأثر از ارزش‌ها، انتظارات و محدودیت‌های این نهاد است.

این موقعیت دوگانه، هم منبع توانمندی و هم منبع تنش برای کنشگری آنان است و کنش آنان را به یک «فعل اجتماعی و تاریخی» تبدیل می‌کند که در حال شکل‌دهی به گفتمان دینی - اجتماعی زنان معاصر ایران است (پارسانیا، ۱۴۰۱: ۵۲-۵۱)

شبکه اجتماعی تخصصی «کوثر نت» به‌عنوان بستر فناورانه و عرصه اجتماعی این کنشگری تحلیل می‌شود. ویژگی‌های این بستر، شکل و ماهیت کنشگری را مشروط می‌سازد. در نتیجه، کنشگری طلاب خواهر در شبکه اجتماعی «کوثر نت» به‌مثابه یک کنش اجتماعی آگاهانه و هدفمند تحلیل می‌شود که در آن کنشگران با هویت دوگانه «حوزوی-زنانه»، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های یک پلتفرم تخصصی، به تولید و انتشار محتوا، تعامل با مخاطبان و شبکه‌سازی اقدام می‌کنند. این کنشگری در بستری شکل می‌گیرد که از سویی متأثر از انتظارات و چارچوب‌های نهادی حوزه‌های علمیه است و از سوی دیگر، در تعامل با محدودیت‌ها و ویژگی‌های جامعه ایرانی قرار دارد. (تأثیر غیرمستقیم این عوامل در نمودار شماره ۱ با خطوط نقطه‌چین نشان داده شده است). این کنشگران با اهدافی همچون تبلیغ دین، ترویج ارزش‌ها، دفاع از حقوق زنان و شکل‌دهی به گفتمان‌های دینی - اجتماعی، می‌کوشند با غلبه بر موانع، بر افکار عمومی تأثیر گذاشته و به تغییر نگرش‌ها در سطح جامعه کمک کنند. در نهایت، فعالیت آنان در ابعاد مختلف معنا ساز، عملیاتی و تأثیرگذاری اجتماعی، منجر به بازتعریف نقش‌زن حوزوی و تقویت گفتمان‌های مبتنی بر آموزه‌های دینی در فضای مجازی می‌شود.

در این پژوهش، باتوجه به ماهیت پیچیده و چندوجهی کنشگری طلاب خواهر در فضای مجازی، به منظور ایجاد یک سازه نظری قدرتمند و متناسب، از ترکیب دو رویکرد نظری «جامعه شبکه‌ای و هویت در عصر اطلاعات مانوئل کاستلز» و «نظریه کنشگر - شبکه (ANT) برونو لاتور» استفاده شده است.

مانوئل کاستلز، یکی از نظریه پردازان برجسته در حوزه ارتباطات و جامعه اطلاعاتی، با معرفی مفهوم «جامعه شبکه‌ای»، تحلیلی عمیق از تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر حاضر ارائه می‌دهد. او بر نقش محوری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و ظهور «منطق شبکه» در سازمان دهی «روابط انسانی»، «قدرت» و «دانش» تأکید دارد. برای درک بهتر این تحولات و پیامدهای آن در دنیای معاصر، لازم است با بهره‌گیری از مفاهیم کلیدی کاستلز، کنشگری طلاب خواهر در شبکه اجتماعی کوثر نت توضیح داده شود. کنشگری طلاب را می‌توان نمونه‌ای بارز از «کنشگری در جامعه شبکه‌ای» دانست که در آن شاهد تعامل پیچیده‌ای بین فناوری، قدرت، هویت و کنش اجتماعی هستیم.

۱. کوثر نت به‌عنوان یک «شبکه قدرت» در جامعه شبکه‌ای: این شبکه، با سازماندهی غیر سلسله‌مراتبی و انعطاف‌پذیر، دقیقاً نمونه‌ای از همان ساختارهای شبکه‌ای است که کاستلز از آن به‌عنوان قوی‌ترین شکل سازماندهی معاصر یاد می‌کند. این شبکه بدون نیاز به یک مرکز فیزیکی واحد، توانسته است گروه‌های متعددی از طلاب، اساتید، مدیران را در سراسر کشور هماهنگ کند.

۲. بازتعریف «مکان» و «زمان» در کنشگری حوزوی: کوثر نت با از میان برداشتن محدودیت‌های جغرافیایی، فضای سنتی حوزه علمیه را بازتعریف کرده است. اکنون یک طلبه در دورافتاده‌ترین نقاط کشور می‌تواند به همان اطلاعات و ارتباطاتی دسترسی داشته باشد که طلبه ساکن شهر قم دارد. این همان «پایان مکان» و «زمان بی‌زمان» است که کاستلز از آن سخن می‌گوید.

۳. شکل‌گیری «هویت مقاومتی» در فضای شبکه‌ای: کنشگری طلاب خواهر در این شبکه را می‌توان نوعی «هویت‌سازی مقاومتی» در برابر گفتمان‌های مسلط جهانی دانست. درحالی‌که کاستلز از پادفرهنگ‌هایی مانند پانک سخن می‌گوید، اینجا شاهد شکل‌گیری یک هویت دینی - زنانه فعال هستیم که در تقابل با الگوهای غربی از زن مسلمان، در حال بازتعریف خود در فضای شبکه‌ای است.

۴. شبکه به‌عنوان ابزار تولید «قدرت نمادین»: کوثر نت، با کنترل جریان اطلاعات و تولید گفتمان دینی - علمی، در حال تولید «قدرت نمادین» است. همان‌گونه که کاستلز اشاره می‌کند

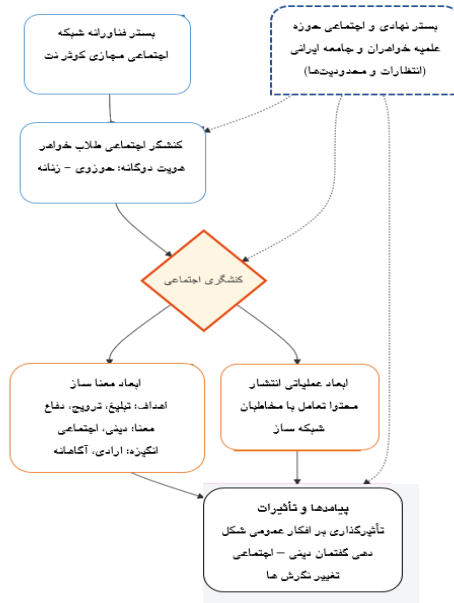
قدرت از طریق تسلط بر شبکه‌های اطلاعاتی اعمال می‌شود. این شبکه نه تنها یک ابزار ارتباطی، بلکه یک دستگاه تولید حقیقت اجتماعی در مورد زن مسلمان است (Castells, 2010: 1-30).
 ۵. جهانی‌شدن در مقیاس محلی: اگرچه کوثر نت یک شبکه ملی است، اما منطق حاکم بر آن همان منطق «جامعه شبکه‌ای جهانی» است. این شبکه نشان می‌دهد که جهانی‌شدن لزوماً به معنای پذیرش الگوهای غربی نیست، بلکه می‌تواند به بومی‌سازی و تقویت الگوهای محلی در قالب همان منطق شبکه‌ای بینجامد (زحمت‌کش، صور اناری، ستارزاده، ۱۳۹۵: ۲۶۷-۲۶۶).
 در نتیجه کنشگری طلاب خواهر در کوثر نت، نمونه‌ای از «مقاومت شبکه‌ای» است که در آن، کنشگران با استفاده از همان ابزارهای جامعه شبکه‌ای، در حال شکل‌دهی به هویتی برای زن مسلمان هستند. این کنشگری، هم محصول جامعه شبکه‌ای است و هم پاسخی هوشمندانه به چالش‌های آن.

نظریه عمل‌گرایی شبکه‌ای (ANT) ^۱ برونو لاتور^۲، با ارائه چارچوبی نوآورانه، تحلیل خود را از کنشگران صرفاً انسانی فراتر برده و بر شبکه‌ای از روابط متقابل میان کنشگران انسانی و غیرانسانی تأکید می‌ورزد. در این نظریه، کنشگری منحصر به انسان نبوده و هر عنصر تأثیرگذاری در فرایندهای اجتماعی، اعم از فناوری، نهادها، ایده‌ها و حتی محیط فیزیکی، در زمره کنشگران به شمار می‌آید. پدیده‌های اجتماعی، به‌عنوان نتایج این تعاملات پیچیده، شبکه‌ای فهمیده می‌شوند که در چارچوبی غیرمتمرکز شکل می‌گیرند؛ به این معنا که قدرت نه از منبعی واحد، بلکه از طریق خود همین تعاملات بین کنشگران تولید و توزیع می‌شود. این رویکرد که تأثیر شایانی در مطالعات اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه فناوری داشته است، ابزار تحلیلی قدرتمندی برای درک چگونگی شکل‌گیری و تکامل پدیده‌های اجتماعی در دنیای معاصر فراهم می‌آورد.

در این چارچوب مفهومی که باهدف تبیین پدیده «کنشگری طلاب خواهر» در شبکه اجتماعی مجازی «کوثر نت» طراحی شده است، این پدیده نه به‌عنوان یک فعالیت ارتباطی ساده، بلکه به‌مثابه یک «کنش اجتماعی» معنا ساز، هدفمند و متأثر از بستر فناورانه «شبکه‌های اجتماعی مجازی» در نظر گرفته می‌شود. هسته سامان‌بخش این چارچوب، تعامل پویا بین سه رکن اصلی کنشگر (طلاب خواهر)، عمل (کنشگری اجتماعی) و عرصه (بستر فناورانه/ شبکه اجتماعی کوثر نت) است. کنشگری مزبور در تلاقی سه چشم‌انداز نظری زیر نیز تعریف می‌شود:

1. Actor-Network Theory
2. Bruno Latour

- کنش عقلانی معنایی (ماکس وبر): کنشگران با انگیزه‌های معنادار و عقلانی (تبلیغ، آموزش، هویت‌بخشی) وارد عرصه می‌شوند.
- فضای شبکه گفتمانی (مانوئل کاستلز): «کوثرنت» به‌مثابه «بستر فناورانه ارتباطی» ساختاری شبکه‌ای دارد که امکان تولید و انتشار گفتمان دینی را فراهم می‌کند.
- کنش ارتباطی اخلاق محور (یورگن هابرماس): تعامل در این فضا مبتنی بر گفت‌وگوی عقلانی و اخلاقی است که هدف نهایی آن تفاهم و توافق بر سر هنجارهای دینی است. شکل زیر، رابطه این مفاهیم را به‌صورت شماتیک نشان می‌دهد.



نمودار ۱: رابطه بین کنشگر (طلاب خواهر)، عمل (کنشگری اجتماعی) و عرصه (شبکه اجتماعی کوثرنت)

۴. روش پژوهش

این پژوهش باهدف تبیین راهبردهای کارآمدسازی کنشگری طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی، با رویکردی کیفی انجام‌یافته در مرحله جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک مصاحبه و در مرحله تحلیل اطلاعات از تحلیل مضمون اکتشافی بهره برده است که باتوجه‌به ماهیت پیچیده پدیده کنشگری در فضای مجازی و نیاز به درک عمیق از تجربیات کنشگران، امکان کشف و تبیین مضامین و الگوهای پنهان را فراهم می‌آورد.

جامعه پژوهش شامل چهار گروه متخصصان حوزه‌های مرتبط بود: پژوهشگران و اساتید، متخصصان رسانه و ارتباطات، طلاب خواهر فعال در شبکه‌های اجتماعی و مدیران شبکه کوثر نت. نمونه‌گیری به روش هدفمند و با معیار برخورداری از تجربه و تخصص مرتبط انجام شد. حجم نمونه ۱۸ نفری که پس از مصاحبه با ۱۴ نفر به اشباع نظری^۱ رسید. برای جمع‌آوری داده‌های کیفی در این پژوهش، از مصاحبه‌های عمقی نیمه‌ساخت‌یافته، مشاهده میدانی و تجربه زیسته محققان به‌عنوان فنون اصلی استفاده شده است.

مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت‌یافته، ابزاری رایج در پژوهش‌های کیفی است که از طریق گفت‌وگوی هدایت‌شده، امکان بررسی عمیق رفتارها، باورها و تجربیات افراد را فراهم می‌کند. این روش با وجود تکیه بر مجموعه‌ای از پرسش‌های ازپیش‌طراحی‌شده، ساختاری انعطاف‌پذیر دارد و به مصاحبه‌شوندگان اجازه می‌دهد آزادانه به بیان دیدگاه‌های خود بپردازند. طراحی و اجرای چنین مصاحبه‌هایی نیازمند شناخت دقیق موضوع تحقیق و مهارت‌های بین‌فردی بالا است و مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته همچنان یکی از ابزارهای ارزشمند در تولید دانش کیفی به شمار می‌روند (Longhurst, 2009: 580-582).

۴۱

انتخاب تکنیک تحلیل مضمون به این دلیل است که این روش فرایندی توانمند برای تحلیل اطلاعات کیفی محسوب می‌شود و محدود به یک رویکرد کیفی خاص نیست؛ زیرا قابلیت به‌کارگیری در اکثر رویکردهای کیفی را داراست (Boyatzis, 1998: 4). پس از استخراج و دسته‌بندی مضامین که معمولاً این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شوند و روابط میان مضامین در سطوح مختلف را نشان می‌دهد. شبکه مضامین به‌عنوان تکنیکی برای شکستن متن به اجزای کوچک‌تر (کدها و مضامین پایه) و سپس سازمان‌دهی و یافتن نکات برجسته و روابط درونی در متن به کار می‌رود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳).

در مرحله تحلیل داده‌ها، این پژوهش بر اساس مراحل تحلیل مضمون انجام پذیرفت. مضمون یا تم (Theme) نشان‌دهنده بخش مهمی از داده‌ها در ارتباط با سؤالات تحقیق است و به‌نوعی، معنا و مفهوم الگوی موجود در مجموعه داده‌ها را منعکس می‌کند (Braun & Clarke, 2006: 81-85). در این پژوهش، پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، داده‌ها بر اساس مراحل تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) مورد تحلیل قرار گرفتند که به‌طور کلی شامل آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نامگذاری مضامین و در نهایت تولید گزارش است.

مضامین شناسایی شده در قالب شبکه مضامین^۱ نظام‌مند شدند که شامل سه سطح اصلی است:

۱- مضامین پایه: این‌ها کدهای اولیه و نکات کلیدی هستند که مستقیماً از متن داده‌ها استخراج می‌شوند.

۲- مضامین سازمان‌دهنده: این مضامین از ترکیب و تلخیص مضامین پایه به دست می‌آیند و نشان‌دهنده مقولات گسترده‌تری هستند که چندین مضمون پایه را در بر می‌گیرند.

۳- مضامین فراگیر: این مضامین عالی‌ترین سطح را تشکیل می‌دهند و دربرگیرنده اصول و مفاهیم کلی حاکم بر کل مجموعه داده‌ها در رابطه با سؤال تحقیق هستند.

پس از استخراج و دسته‌بندی مضامین، این مضامین معمولاً به‌صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شوند که روابط میان مضامین در سطوح مختلف را نشان می‌دهد. شبکه مضامین به‌عنوان تکنیکی برای شکستن متن به اجزای کوچک‌تر (کدها و مضامین پایه) و سپس سازمان‌دهی و یافتن نکات برجسته و روابط درونی در متن به کار می‌رود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳).

تحلیل مضمون کیفی داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها، با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA، منجر به شناسایی و دسته‌بندی مضامین اصلی در قالب «توانمندسازی کنشگران، ویژگی‌های کنشگران، توسعه پلتفرم و چالش‌ها» گردید که در این فرایند، ۱۰۱ کد اولیه استخراج و در قالب ساختار سلسله‌مراتبی شامل ۴۹ مضمون پایه، ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده و ۴ مضمون فراگیر دسته‌بندی شدند. شبکه مضامین ترسیم شده، روابط بین این سطوح را به‌صورت نظام‌مند نمایش می‌دهد.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش، طبق الگوی ارائه شده در روش تحقیق، نتایج حاصل از تحلیل مضمون‌های نهفته در مصاحبه‌ها، مفاهیم استنباط شده ابتدا در قالب مضامین سلسله‌مراتبی و خوشه‌ای از مضامین سطوح پایین تا سطوح کلان، از زیر مقوله تا مقوله اصلی سازماندهی می‌شود. پس از حذف موارد غیرضروری و ادغام موارد مشابه، شبکه مضامین بر اساس رویه مضمون پایه (نکات کلیدی متون)، مضمون سازمان‌دهنده (ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضمون فراگیر (دربردارنده اصول و کلیات) نظام‌مند و این مضامین به‌صورت نقشه تارنما ترسیم خواهد شد.

۵-۱. توانمندسازی

واژه «توانمندسازی»^۱ در فرهنگ آکسفورد به معنای قدرتمندسازی، ارائه خدمت و امکان یافتن یا تواناشدن است. در معنای خاص قدرت بخشیدن و دادن آزادی عمل به افراد برای اداره خود و در مفهوم سازمان به معنای تغییر در فرهنگ و شهامت در ایجاد و هدایت یک محیط سازمانی است. همچنین توانمندسازی، عبارت است شناخته شدن ارزش های افراد و سهمی که می توانند در انجام امور داشته باشند یا ارتقای توانایی کارکنان در استفاده بیشتر از قوه تشخیص و تحلیل، داشتن بصیرت در انجام کارهایشان و مشارکت کامل در تصمیم هایی که بر زندگی آنها اثر می گذارد (جلالی جواران، ۱۳۸۹: ۱۲۱). توانمندسازی نوآوری های داخلی در عصر فناوری های اطلاعات و ارتباطات نوین، عدم تقارن های قدرت را عمیق تر کرده و در عین حال موارد جدید ایجاد می کند که بین شرکت های فناوری اطلاعات و ارتباطات و بخش های مختلف کاربران، به کسانی که دسترسی بهتری به این داده ها دارند، توانمندی داده شود (Kikarea & Menashe, 2019: 164).

در بستر «کنشگری طلاب خواهر در شبکه های اجتماعی مجازی»، توانمندسازی به معنای تجهیز این قشر فرهیخته به مجموعه ای از دانش، مهارت ها، ابزارها و نگرش های لازم است تا بتوانند حضوری هدفمند، مؤثر و مسئولانه در این فضا داشته باشند. این فرایند صرفاً به آموزش های فنی محدود نمی شود، بلکه ابعاد گوناگون شناختی، مهارتی، اخلاقی، روان شناختی و استراتژیک را در بر می گیرد.

۴۳

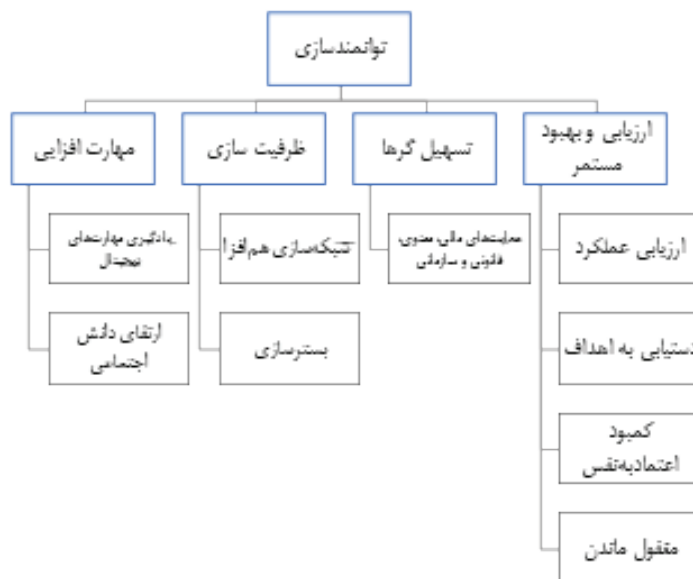
در بستر کنشگری طلاب خواهر در شبکه های اجتماعی مجازی، «توانمندسازی» فرایندی چندسطحی است که می بایست به طور همزمان و پیوسته در سه عرصه پیگیری شود:

- در سطح فردی: با تجهیز هر طلبه به دانش های تخصصی، مهارت های ارتباطی و رسانه ای، و بصیرت اخلاقی- روان شناختی.
- در سطح نهادی: با تدوین سیاست های حمایتی، ایجاد ساختارهای مشورتی و آموزشی، و فراهم آوردن منابع و زیرساخت های لازم توسط نهادهای متولی.
- در سطح فناورانه: با تسلط بر ابزارهای دیجیتال، درک منطق حاکم بر پلتفرم ها و تأمین امنیت سایبری.

این فرایند، که صرفاً به آموزش های فنی محدود نمی شود، در نهایت حضوری هدفمند، مؤثر و مسئولانه را برای این قشر فرهیخته در فضای مجازی به ارمغان می آورد.

توانمندسازی در این پژوهش به فرایند تجهیز طلاب خواهر به دانش‌ها، مهارت‌ها و ابزارهای لازم برای حضور مؤثر و مسئولانه در فضای مجازی تعریف می‌شود. این مفهوم دارای چهار مؤلفه اصلی است:

۱. مهارت‌افزایی: ارائه آموزش‌های تخصصی از طریق سامانه‌های آموزشی، کارگاه‌ها و ابزارهای دیجیتال برای ارتقای توانمندی‌های فنی، رسانه‌ای و محتوایی.
 ۲. ظرفیت‌سازی: توسعه زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، ایجاد شبکه‌های تعاملی و تقویت همکاری‌های جمعی میان کنشگران.
 ۳. تسهیل‌گری: فراهم‌آوردن امکانات و منابع موردنیاز (از جمله پشتیبانی فنی، مشاوره تخصصی و دسترسی به داده‌های مرتبط).
 ۴. ارزیابی و بهبود مستمر: استقرار نظام نظارت و بازخورد (مانند تحلیل تعاملات و ارزیابی محتوا) برای بهینه‌سازی مستمر خدمات و برنامه‌ها.
- بررسی‌ها نشان می‌دهد شبکه کوثر نت در سه مؤلفه «مهارت‌افزایی»، «ظرفیت‌سازی» و «ارزیابی و بهبود» فعالیت‌هایی را آغاز کرده است. ارائه آموزش‌های رسانه‌ای سامانه‌های داخلی، ایجاد فضاهای تعاملی مانند گروه‌ها و انجمن‌های تخصصی، طراحی سازوکارهای ابتدایی دریافت بازخورد از کاربران از جمله این فعالیت‌ها می‌باشد.
- این مضمون با نظریه‌های «لاتور» (تمرکز بر تعامل کنشگران انسانی و غیرانسانی) و «کاستلز» (نقش شبکه‌های دیجیتال در توانمندسازی) هم‌خوانی دارد. براین اساس، توانمندسازی در کوثر نت مستلزم تعامل پویا بین موارد الگوریتم‌ها و فناوری‌های هوشمند، منابع انسانی متخصص و ساختارهای شبکه‌ای است تا این پلتفرم به یک زیست‌بوم مؤثر در کنشگران تبدیل شود.



نمودار ۲: مؤلفه‌های توانمندسازی جهت کنشگری طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی

۴۵

۲-۵ توسعه پلتفرم

یک پلتفرم را مجموعه‌ای از خدمات، ابزارها و فناوری‌هایی تعریف می‌کنند که پایه و اساس یک اکوسیستم است و شبکه‌ای از تأمین‌کنندگان، توزیع‌کنندگان، شرکت‌های برون‌سپاری، سازندگان محصولات یا خدمات مرتبط، ارائه‌دهندگان فناوری و مانند آن را تشکیل می‌دهد (زارعی، اصغری، علی‌پور، ۱۴۰۱: ۱۸۶).

یکی از مضامین فراگیر و کلیدی که از تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شد، «توسعه پلتفرم» است. این مضمون بر اهمیت وجود بسترهای مناسب و کارآمد در فضای مجازی برای تسهیل، تقویت و بهینه‌سازی کنشگری طلاب خواهر تأکید دارد. تحلیل داده‌ها نشان داد که نوع و کیفیت پلتفرم‌های مورد استفاده، امکانات و محدودیت‌های آن‌ها و نحوه مدیریت و پشتیبانی از این پلتفرم‌ها، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و اثربخشی کنشگری دارد. مضمون فراگیر توسعه پلتفرم به پنج مضمون سازمان‌دهنده اصلی تقسیم می‌شود که هر یک، مجموعه‌ای از مضامین پایه را در بر می‌گیرند:

۱. بسترسازی
۲. حمایت‌ها و پشتیبانی
۳. ارزیابی و بهبود مستمر
۴. رفع مشکلات فنی
۵. ارتقای کاربران

یکی از مضامین کلیدی استخراج شده، «توسعه پلتفرم» است. این مضمون بر اهمیت وجود بسترهای فنی و نرم‌افزاری مناسب به عنوان شرط امکان‌بخش کنشگری مؤثر تأکید دارد. تحلیل‌ها نشان داد که کیفیت پلتفرم‌ها، امکانات، محدودیت‌ها و مدیریت آنها، زمینه‌ساز یا بازدارنده‌ی شکل‌گیری و اثربخشی کنشگری است. این مضمون به پنج محور سازمان‌دهنده تقسیم می‌شود:

۱. بسترسازی (ایجاد یا انتخاب پلتفرم‌های پایدار و مناسب)
 ۲. حمایت‌ها و پشتیبانی (مدیریت، هدایت و رفع موانع نهادی)
 ۳. ارزیابی و بهبود مستمر (سنجش عملکرد پلتفرم و به‌روزرسانی آن)
 ۴. رفع مشکلات فنی (حفظ سلامت و کارایی عملیاتی بستر)
 ۵. ارتقای کاربران (تسهیل یادگیری و استفاده بهینه از پلتفرم برای کنشگران)
- در مقابل، مضمون «توانمندسازی» بر «فرایند کنشگرمحور» ارتقای دانش، مهارت و نگرش طلاب خواهر متمرکز است تا بتوانند از این بسترها به‌شکلی هدفمند و مسئولانه بهره‌برداری کنند. بر اساس تحلیل یافته‌ها، موفقیت کنشگری طلاب خواهر در فضای مجازی مستلزم توسعه پلتفرمی است که علاوه بر جنبه‌های فنی، ابعاد اجتماعی، حمایتی و آموزشی را نیز پوشش دهد. این توسعه در چهار حوزه اصلی قابل‌دسته‌بندی است:

۱. الزامات زیرساختی: طراحی کاربرپسند باقابلیت تعامل آسان، تأمین امنیت و حریم خصوصی، بهبود مستمر کارایی فنی، ایجاد بسترهای تعاملی غنی.
۲. نظام حمایتی: تشویق نوآوری در تولید محتوا، ارائه آموزش‌های تخصصی، پشتیبانی سازمانی پایدار.
۳. مکانیزم‌های بهبود مستمر: ارزیابی عملکرد کاربران و سیستم، شناسایی نقاط قوت و ضعف، ارائه گزارش‌های تحلیلی.
۴. توسعه قابلیت‌ها: رفع محدودیت‌های فنی، افزودن امکانات پیشرفته، ارتقای مهارت‌های کاربران.

توسعه پلتفرم کوثر نت را می‌توان در تلفیق دو دیدگاه تحلیل کرد. از منظر کاستلز، پلتفرم ابزار اعمال قدرت در عصر اطلاعات است که بقای آن مستلزم حمایت‌های سیاسی - مالی و هویت‌سازی از طریق ارتقای کاربران است و از دیدگاه لاتور، توسعه پلتفرم فرایند هماهنگی کنشگران انسانی و غیرانسانی است که پشتیبانی، نقش واسط حل مشکلات کاربران را ایفا می‌کند.

در نتیجه توسعه موفقیت‌آمیز پلتفرم نیازمند تلفیق این دو دیدگاه است. از یک سو حفظ کنترل شبکه و تأثیرگذاری اجتماعی (کاستلز) و از سوی دیگر مدیریت بهینه کنشگران انسانی و غیرانسانی (لاتور). این رویکرد تلفیقی، پلتفرم را از یک فضای دیجیتال صرف به اکوسیستمی پویا تبدیل می‌کند که قادر

به پاسخگویی به نیازهای کنشگران و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آنان است.



نمودار ۳: مؤلفه‌های توسعه پلتفرم جهت کنشگری طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی

۳-۵. ویژگی‌های کنشگران

مضمون فراگیر «ویژگی‌های کنشگران» یکی از محورهای اساسی تحلیل کیفی مصاحبه‌ها بود که به تبیین ابعاد فردی، شخصیتی، انگیزشی و مهارتی طلاب خواهر فعال در فضای مجازی می‌پردازد. این مضمون بر این اصل استوار است که ماهیت و کیفیت کنشگری در فضای سایبر، به‌شدت متأثر از خصوصیات، توانمندی‌ها و نگرش‌های خود کنشگران است. یافته‌ها نشان دادند که کنشگری مؤثر نیازمند ترکیبی از انگیزه، مهارت، توانایی‌های مدیریتی و درک عمیق از هویت

فردی و جمعی است. مضمون فراگیر ویژگی‌های کنشگران به چهار مضمون سازمان‌دهنده اصلی تقسیم می‌شود که هر یک شامل مجموعه‌ای از مضامین پایه هستند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که موفقیت کنشگری در فضای مجازی بیش از هر چیز به ویژگی‌های درونی و فردی کنشگران بستگی دارد. این ویژگی‌ها در چهار دسته اصلی قرار می‌گیرند:

۱. انگیزشی: داشتن انگیزه‌های قوی دینی و اجتماعی به‌عنوان نیروی محرکه اصلی، پایداری و استمرار در فعالیت‌ها حتی در مواجهه با چالش‌ها.
۲. مهارتی: توانایی برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبان، تسلط بر مهارت‌های کلامی و نوشتاری، خلاقیت و نوآوری در تولید محتوای جذاب و غیر کلیشه‌ای، توانایی بهره‌گیری از تکنولوژی‌های روز.
۳. مدیریتی: توانایی برنامه‌ریزی مؤثر و تعیین استراتژی، مهارت هماهنگی و کار تیمی با سایر افراد و گروه‌ها.
۴. هویتی: درک و شناخت ابعاد مختلف هویت (فردی، دینی، زنانه، علمی و...) که جهت‌گیری کنشگری را شکل می‌دهد.

نکته کلیدی از یک مصاحبه‌کننده می‌توان دریافت کرد این بود که کنشگری زنان مسلمان باید با حفظ «زنانگی» همراه باشد؛ به این معنا که از ویژگی‌ها و توانمندی‌های خاص زنان، در چارچوب ارزش‌های اسلامی، برای بهبود جامعه استفاده شود.

در نتیجه کنشگر موفق، ترکیبی از انگیزه عمیق، مهارت‌های چندگانه (ارتباطی، فنی و خلاقانه)، توانایی مدیریت و درکی روشن از هویت خویش است. این ویژگی‌ها سرمایه اصلی برای مواجهه با چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌های فضای مجازی محسوب می‌شوند؛ بنابراین، هر برنامه‌ای برای توانمندسازی کنشگران باید بر تقویت این بنیان‌های درونی متمرکز باشد.

اما تمایز کلیدی ویژگی‌های کنشگران در مقابل راهبردهای کنشگری را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

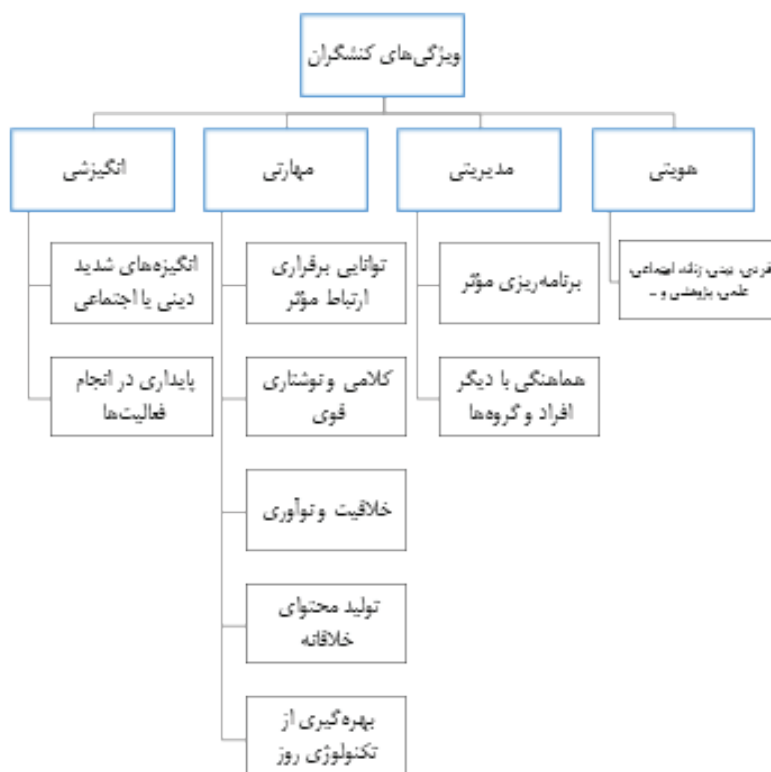
ویژگی‌های کنشگران: به سرمایه‌های درونی و فردی کنشگران می‌پردازد. این بخش به پرسش «کنشگر موفق کیست؟» پاسخ می‌دهد و شامل مؤلفه‌هایی مانند انگیزه، هویت، مهارت‌ها و توانایی‌های مدیریتی است. این ویژگی‌ها، علل و توضیح‌دهنده چرایی و چگونگی کنشگری هستند. راهبردهای کنشگری: به برنامه‌های عملی و سیاست‌های کلان برای توسعه کنشگری اشاره دارد. این بخش به پرسش «برای تقویت کنشگری چه باید کرد؟» پاسخ می‌دهد و شامل طراحی شیوه‌های مدیریت، ارزیابی اثرگذاری، تربیت کنشگران و نقشه‌های اجرایی است. راهبردها پس از شناخت ویژگی‌ها طراحی می‌شوند.

جهت تبیین ویژگی‌های کنشگران در چارچوب نظری (کاستلز و لاتور) می‌توان گفت که در این چارچوب، کنشگری در شبکه‌های از روابط انسانی و غیرانسانی (ابزارها، پلتفرم‌ها) تحلیل می‌شود:

۱. سرمایه‌های درونی محرک: عوامل درونی مانند انگیزه‌های دینی-اجتماعی و هویت جمعی، سوخت و سرمایه اصلی کنشگران هستند که پایداری و عمق اثرگذاری آنان را تبیین می‌کنند.
۲. رویدادها به عنوان نقطه اتصال: رویدادهایی مانند کارگاه‌ها و نشست‌های شبکه‌ای، بستری هستند که این سرمایه‌های درونی را با امکانات و منابع بیرونی پیوند می‌زنند و توانمندسازی را ممکن می‌سازند.
۳. مهارت‌ها به عنوان عامل واسطه: مهارت‌های ارتباطی، فنی و مدیریتی، عوامل تبدیل‌کننده هستند که امکان بهره‌برداری از رویدادها و تبدیل آنها به فرصت‌های واقعی برای یادگیری و توسعه را فراهم می‌آورند.

در کل کنشگر موفق، ترکیبی از سرمایه‌های درونی (انگیزه و هویت) و قابلیت‌های تبدیلی (مهارت‌ها) است که در بستر رویدادهای شبکه‌ای تقویت و فعال می‌شود؛ بنابراین، هر برنامه حمایتی باید محور خود را بر تقویت این ویژگی‌های درونی و ایجاد بسترهای مناسب برای شکوفایی آنها قرار دهد.

۴۹



نمودار ۴: مؤلفه‌های ویژگی‌های کنشگران جهت کنشگری طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی

۵-۴. چالش‌ها

این مضمون به موانع و مشکلاتی می‌پردازد که کنشگری طلاب خواهر در فضای مجازی را با دشواری مواجه می‌سازد. با ترکیب معنای لغوی «چالش» در فارسی و (Challenge) در انگلیسی و کاربرد امروزی این واژه، «چالش» را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «وضعیت جدیدی که از بیرون، مسیر آینده جامعه را مورد هجوم قرار داده و حفظ تعادل آن را دشوار می‌سازد، مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز است».

ویژگی‌های «چالش» در این تعریف عبارت‌اند از: عینی بودن، جدید بودن، آینده‌نگرانه بودن، بیرونی و غیرارادی بودن و لزوم تلاشی سخت و تعیین‌کننده. حفظ این خصوصیات، معنای ویژه و اصطلاحی «چالش» را در فارسی تثبیت کرده و مرز آن را با واژه‌های مشابه متمایز می‌سازد. این تعریف، در صورت پذیرش، می‌تواند معنای اصطلاحی جدیدی برای «چالش» در زبان فارسی ایجاد کند (ذو علم، ۱۳۸۴: ۳۶).

این چالش‌ها در چهار دسته اصلی قابل دسته‌بندی هستند:

۱. موانع فناوری: دسترسی محدود به اینترنت، مشکلاتی مانند پهنای باند کم، هزینه‌های بالا و عدم پوشش شبکه که بهره‌وری و مشارکت را مختل می‌کند. همچنین ناآشنایی با ابزارهای دیجیتال، کمبود سواد دیجیتال لازم برای استفاده مؤثر، ایمن و خلاقانه از پلتفرم‌ها و نرم‌افزارها و محدودیت‌های پلتفرم‌های خارجی، چالش‌های ناشی از فیلترینگ، عدم پشتیبانی از زبان فارسی و عدم تطابق با فرهنگ و قوانین داخلی که دسترسی به مخاطبان جهانی را دشوار می‌سازد از دیگر موانع فناوری است که مشارکت‌کنندگان پژوهش آنها را مطرح کرده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«ضعف آن این است که طلبه‌ها بیشتر در پلتفرم‌های ایرانی فعالیت می‌کنند... اما قشر

خاکستری جامعه بیشتر در پلتفرم‌های خارجی هستند.»

۲. موانع فرهنگی و اجتماعی: از جمله این موانع می‌توان به نگرش منفی جامعه و خانواده، دیدگاه‌های منفی نسبت به فضای مجازی که منجر به خودسانسوری، عدم حمایت و اعمال محدودیت می‌شود، اشاره کرد. برخی از مشارکت‌کنندگان نیز به فشارهای اجتماعی و خانوادگی، امر و نهی‌های مستقیم برای محدود کردن فعالیت در فضای مجازی و ملاحظات دینی و اخلاقی، تضادهای درونی ناشی از تعارض بین محتوای فضای مجازی و باورهای ارزشی و دینی فرد اشاره کرده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«باید هر کاری از درون بجوشه... حضور در فضای مجازی هم اگر همراه با نیت و هدف درست باشد، می‌تونه کارآمد باشه.»

۳. موانع قانونی و مدیریتی: سیاست‌های محدودکننده از جمله وجود قوانین و مقررات دست‌وپاگیر محدودکننده دسترسی و فعالیت و فقدان حمایت‌های لازم، نبود پشتیبانی کافی در ابعاد قانونی (حفظ حقوق کاربران)، مالی (تسهیلات) و سازمانی (نهادهای آموزشی و مشاوره‌ای) مواردی است که مشارکت‌کنندگان در پژوهش آنها را مطرح کرده‌اند.

۴. موانع روانی و عاطفی: ترس از انتقاد، هراس از دریافت بازخوردهای منفی، تمسخر یا حملات سایبری مانع ایجادکننده در مقابل ابراز عقیده و مشارکت فعال، کمبود اعتمادبه‌نفس، احساس عدم کفایت در تولید محتوا یا تعامل با دیگران، احساس مغفول ماندن، دلسردی ناشی از نادیده گرفته شدن یا بی‌تأثیر دانستن فعالیت‌های خود از نکاتی است که مشارکت‌کنندگان در این مقوله به آنها اشاره کرده‌اند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«قدرتمند بودن مخاطبین و رقبا... و علم کافی نداشتن... سبب می‌شود که طلاب بترسند وارد فضای مجازی شوند.»

۵۱

یافته‌ها نشان می‌دهد چالش‌های پیشروی کنشگران، چندبعدی و درهم‌تنیده است. این چالش‌ها تنها بیرونی (فناورانه، قانونی) نیستند، بلکه ریشه در لایه‌های عمیق‌تر فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی نیز دارند. شناسایی دقیق این چالش‌ها، پیش‌نیاز اساسی برای طراحی هرگونه راهبرد عملی و سیاست حمایتی است تا بتوان مسیر کنشگری مؤثر و پایدار در فضای مجازی را هموارتر کرد. در ادامه تبیین چالش‌ها در چارچوب نظریه‌های کاستلز و لاتور آمده است:

۱. دیدگاه شبکه کنشگران (لاتور): از منظر لاتور، هر یک از چالش‌های شناسایی شده - اعم از فناورانه، فرهنگی، قانونی یا روانی - به‌عنوان گره‌های مشکل‌ساز (نقاط شکست) در شبکه کنشگری عمل می‌کنند. این شبکه متشکل از کنشگران انسانی (طلاب، مخاطبان، نهادها) و غیرانسانی (زیرساخت‌های اینترنتی، پلتفرم‌ها، قوانین، ابزارهای تولید محتوا) است. برای مثال می‌توان به محدودیت دسترسی به اینترنت یا فیلترینگ پلتفرم‌ها به‌عنوان گره‌های غیرانسانی که جریان اطلاعات و تعامل را قطع می‌کنند و نگرش‌های منفی اجتماعی یا کمبود اعتمادبه‌نفس به‌عنوان گره‌های انسانی که از شکل‌گیری ارتباطات مؤثر جلوگیری می‌کنند، اشاره کرد.

۲. دیدگاه قدرت و کنشگری در عصر اطلاعات (کاستلز): کاستلز بر این نکته تأکید دارد که قدرت در جامعه شبکه‌ای، از طریق کنترل جریان اطلاعات و شکل‌دهی به گفتمان‌ها اعمال

می‌شود. بنابراین چالش‌هایی مانند موانع فناورانه و قانونی، در واقع شکلی از محرومیت از قدرت (دسترسی نابرابر به منابع اطلاعاتی) هستند و موانع فرهنگی - اجتماعی و روانی نیز ناشی از تسلط گفتمان‌های مسلطی است که فضای مجازی را تهدیدآمیز، غیراخلاقی یا بی‌اثر جلوه می‌دهند و توانایی کنشگری مستقل را تضعیف می‌کنند.



نمودار ۵: مؤلفه‌های چالش‌ها جهت کنشگری طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی

توانمندسازی کنشگران نیازمند رویکردی چندسطحی و هم‌زمان است که این گره‌های شبکه کنشگری را هدف بگیرد:

- تقویت گره‌های غیرانسانی: از طریق توسعه زیرساخت‌های فنی، ایجاد پلتفرم‌های بومی و اصلاح قوانین محدودکننده.

- تحول در گره‌های انسانی: با ترویج گفتمان‌های حمایتی در محیط‌های حوزوی، آموزش سواد رسانه‌ای و ارائه حمایت‌های روان‌شناختی برای تقویت اعتمادبه‌نفس و تاب‌آوری در برابر انتقادات. به بیان دیگر، تنها زمانی کنشگری مؤثر خواهد بود که شبکه انسانی - غیرانسانی به‌گونه‌ای بازآرایی شود که هم «ابزارها» و «قوانین» امکان کنش را فراهم آورند و هم «انسان‌ها» از «جرأت» و «مهارت» لازم برای بهره‌برداری از این امکان برخوردار باشند. بر اساس آنچه ارائه شد، می‌توان گفت الگوی کارآمدسازی کنشگری طلاب خواهر در قالب یک مدل علی - تعاملی مبتنی بر سه

رکن اصلی و یک عامل اخلاک‌گراستوار است که در تعاملی پویا، موفقیت کنشگری را شکل می‌دهند. ارکان اصلی این الگو به شرح ذیل است:

۱. توسعه پلتفرم (بستر فنی - سازمانی): این رکن، زیرساخت و محیط کنشگری را فراهم می‌سازد. مؤلفه‌های آن شامل ایجاد بسترهای مناسب، حمایت‌های فنی و محتوایی، ارزیابی مستمر عملکرد، رفع موانع فنی و ارتقای قابلیت‌های کاربران است.

۲. توانمندسازی کنشگران (سرمایه انسانی): این بخش، به تقویت قابلیت‌های فردی طلاب می‌پردازد و مستقیماً تحت‌تأثیر توسعه پلتفرم قرار دارد. توانمندسازی، سوخت لازم برای کنشگری را تأمین می‌کند.

۳. ویژگی‌های کنشگران (سرمایه روان‌شناختی - مهارتی): این رکن شامل انگیزه، مهارت‌ها، توانایی‌های مدیریتی و هویت کنشگران است. توانمندسازی به طور مستقیم این ویژگی‌ها را تقویت می‌کند و در مقابل، کنشگران دارای ویژگی‌های قوی‌تر، بهتر از فرایندهای توانمندسازی بهره می‌برند. بین این دو رابطه‌ای دوسویه برقرار است.

۴. عامل اخلاک‌گرا: چالش‌ها، چالش‌های فناورانه، فرهنگی - اجتماعی، قانونی و روانی - عاطفی به‌عنوان عوامل بازدارنده می‌توانند به هر سه رکن اصلی آسیب رسانده و چرخه کارآمدسازی را مختل کنند.

اما الگو نشان می‌دهد که توسعه پلتفرم و توانمندسازی کنشگران دوروی یک سکه هستند توانمندسازی بدون پلتفرم توسعه‌یافته مانند راندن خودرویی پیشرفته در جاده‌ای خاکی است که سرعت و کارایی را کاهش می‌دهد. چالش‌های فناورانه، فرهنگی - اجتماعی، قانونی و روانی - عاطفی به‌عنوان عوامل بازدارنده می‌توانند به هر سه رکن اصلی آسیب رسانده و چرخه کارآمدسازی را مختل کنند.

پلتفرم توسعه‌یافته بدون کنشگر توانمند مانند ساخت جاده‌ای عالی بدون خودرویی برای حرکت است که ابزار را بی‌استفاده می‌گذارد.

بنابراین، راهبرد کارآمد باید یکپارچه و هم‌زمان باشد توسعه پلتفرم با در نظرگیری نیازهای کنشگران پیش رود و برنامه‌های توانمندسازی، بر تقویت ویژگی‌های فردی آنان متمرکز شود، درحالی‌که تمام چالش‌های پیشرو به طور نظام‌مند شناسایی و رفع می‌شوند. این تعامل سه‌گانه است که کنشگری را پایدار و اثرگذار می‌سازد.



نمودار ۶: الگوی کارآمد سازی کنشگری طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کنشگری موفق و اثرگذار طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی مجازی، نیازمند الگویی جامع و چندبعدی است. این الگو که برآمده از مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده‌ی استخراج‌شده از داده‌های پژوهش است، بر سه پایه‌ی اساسی و به‌هم‌پیوسته استوار می‌باشد:

۱. توانمندسازی کنشگر (فرایند کنشگرمحور): پرورش ظرفیت‌های فردی طلاب خواهر از طریق آموزش‌های تخصصی (حوزوی و رسانه‌ای)، تقویت مهارت‌های ارتباطی و تولید محتوا، و ارتقای بصیرت اخلاقی و روان‌شناختی برای مواجهه‌ای فعال و مسئولانه با فضای مجازی.
۲. توسعه و بهینه‌سازی پلتفرم (شرط امکان‌بخش): تأمین بسترهای فنی و نرم‌افزاری مناسب، کارآمد و امن که امکان کنشگری ساده، مؤثر و گسترده را فراهم کند. این بستر باید همراه با حمایت‌های نهادی، پشتیبانی فنی مستمر و ارزیابی دوره‌ای برای بهبود مستمر باشد.

۳. تدوین راهبرد هوشمند (نقشه‌ی راه کنشگری): طراحی برنامه‌ای مدون و انعطاف‌پذیر که با در نظر گرفتن مخاطبان هدف، اقتضائات مختلف، تحلیل رقبا و تعیین اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت، مسیر کنشگری را جهت‌دهی و از موازی‌کاری و اتلاف منابع جلوگیری کند.
- این سه رکن در یک رابطه‌ی دیالکتیکی با یکدیگر قرار دارند؛ توانمندسازی بدون بستر مناسب ناتمام می‌ماند، پلتفرم قدرتمند بدون کنشگران توانا عقیم است، و هر دو بدون راهبرد روشن، اثربخشی خود را از دست می‌دهند. تحقق هماهنگ این ارکان، کنشگری طلاب خواهر را از حالت خودانگیخته و پراکنده به سمت حرکتی نظام‌مند، پایدار و تأثیرگذار سوق خواهد داد. طبق یافته‌های فوق کنشگری موفق طلاب خواهر در شبکه‌های اجتماعی بر سه پایه استوار است که عبارت‌اند از:
۱. پیش‌نیازهای اساسی: تسلط بر سواد رسانه‌ای، مهارت‌های تولید محتوا و برقراری ارتباط مؤثر
 ۲. راهبردهای کلیدی: تمرکز بر ابعاد تربیتی، ارشادی و شبکه‌سازی
 ۳. پایه‌ی ارزشی: پایبندی به آموزه‌های اسلامی و اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان عامل مشروعیت‌بخش و تضمین‌کننده تأثیرگذاری
- ۵۵ علی‌رغم ظرفیت‌های موجود، چالش‌های عمده‌ای شامل ضعف زیرساخت‌ها، کمبود محتوای جذاب و عدم آگاهی از ظرفیت‌های شبکه کوثر نت، مانع بهره‌برداری کامل شده است.
- بر اساس سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه خواهران، شش محور راهبردی کلان برای توسعه شبکه کوثر نت زیر پیشنهاد می‌شود:
۱. ارتقای سواد رسانه‌ای کاربران با طراحی برنامه‌های آموزشی برای تقویت مهارت‌های تحلیلی، انتقادی و اخلاقی
 ۲. تقویت شبکه ترکیبی (انسان - فناوری) با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تقویت مشارکت انسانی
 ۳. ایفای نقش در حکمرانی فضای مجازی با حضور فعال در عرصه تنظیم‌گری و هدایت مباحث زنان
 ۴. حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی با استقرار سامانه‌های امن و بومی برای صیانت از اطلاعات
 ۵. توسعه سرمایه اجتماعی و هویتی با تولید محتوای هدفمند و ایجاد فضای تعامل محور
 ۶. استقرار نظام ارزیابی و پایش مستمر با طراحی شاخص‌های کمی و کیفی برای سنجش عملکرد این راهبردها چارچوبی یکپارچه برای تحول شبکه کوثر نت فراهم کرده و مسیر تبدیل شدن به شبکه‌ای مؤثر و پیشرو در عرصه کنشگری دینی زنان را ترسیم می‌کنند. همچنین پیشنهاد‌های عملیاتی مبتنی بر برنامه میان‌مدت حوزه‌های علمیه خواهران به شرح زیر است:

۱. پویش ملی جذب طلاب با رویکرد شبکه‌سازی باهدف افزایش کمی اعضا و ایجاد شبکه‌های حمایتی بین طلاب جدید و قدیم؛ راه‌اندازی کمپین سالانه منظم برای معرفی و جذب با مشارکت نهادهای حوزوی و طلاب فعال، اجرای کمپین‌های فراگیر در شبکه‌های اجتماعی (مانند کوثر نت) برای معرفی جذاب حوزه‌های علمیه خواهران.

۲. توسعه محتوای فرهنگی و دینی با رویکرد رسانه‌ای: تخصیص بودجه و حمایت برای تولید محتوای باکیفیت و متنوع (پادکست، ویدئو، موشن گرافی و دوره‌های آنلاین)، ایجاد بخش‌های موضوعی جدید و جذاب متناسب با نیازهای روز و شباهت فکری، تولید محتوای دیجیتال جذاب، کیفی و کاربرمحور با بهره‌گیری از پلتفرم‌های نوین و هوش مصنوعی.

۳. نخبه‌پروری و توانمندسازی کنشگران: برگزاری کارگاه‌های تخصصی سواد رسانه‌ای، تولید محتوا، فن بیان و کنشگری دیجیتال، ایجاد فرصت‌های منتورینگ (استاد - شاگردی) برای طلاب مستعد با حضور اساتید مجرب، تشکیل تیم‌های تخصصی محتوایی و پژوهشی برای اجرای پروژه‌های مشخص.

۴. ارتقای بسترهای تعاملی و شبکه‌سازی: طراحی و توسعه قابلیت‌های تعاملی در پلتفرم‌ها (گروه‌های تخصصی، تالارهای گفتگو و سیستم‌های پیام‌رسانی)، برگزاری منظم وبینارها و نشست‌های آنلاین با حضور اساتید و متخصصان، بهینه‌سازی شبکه‌های اجتماعی موجود و بهبود رابط کاربری و امنیت اطلاعات.

۵. استقرار نظام ارزیابی و بهبود مستمر: تدوین شاخص‌های عملکردی (KPIs) برای سنجش اثربخشی فعالیت‌ها، برگزاری نظرسنجی‌های دوره‌ای برای دریافت بازخورد از کاربران و ذی‌نفعان، تشکیل کمیته پایش مستمر و بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای تحلیل داده و بازنگری راهبردها. این پیشنهادها باهدف توسعه شبکه‌ای یکپارچه، تولید محتوای اثربخش و توانمندسازی نیروی

انسانی در حوزه‌های علمیه خواهران ارائه شده‌اند.

منابع

- ◀ آذربخش، علی محمد (۱۳۹۱). رویکردی نظری بر تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر تولید ملی و اشتغال در بین جوانان، دوفصلنامه مطالعات جوانان و رسانه، تابستان، ۹۵-۱۱۶.
- ◀ پارسانیا، حمید (۱۴۰۱). جهان‌های اجتماعی، چاپ پنجم، تهران، ناشر کتاب فردا، چاپ پنجم.
- ◀ جلالی جواران، محسن، و جلالی جواران، مرتضی (۱۳۸۹). نتایج حاصل از توانمندسازی بر کارکنان در سازمان، عصر مدیریت، ۴ (۱۵ و ۱۴). ۱۱۵-۱۲۱.
- ◀ جلالی، امید (۱۳۹۲). «سیستم پیشنهاد دهنده هم پژوهشی؛ مورد مطالعه شبکه اجتماعی «کوثر نت» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده فنی.
- ◀ ذاکری، زهرا، اطهری، طیبه، و عباسیان نژاد، سمیه (۱۳۹۸). تحلیل بررسی جایگاه زنان در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تداوم آن، پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۱۱ (۱). ۴۷.
- ◀ ذو علم، علی، تأملی در مفهوم «چالش» واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی - فرهنگی ایران، ۱۳۸۴. ۴ (۳۶)، ۳۴-۳۷.
- ◀ زارعی، عظیم، اصغری، و مریم، سیما علی‌پور (۱۴۰۱). ارائه چارچوبی برای بین‌المللی سازی پلتفرم‌های B2B، نشریه چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، ۱۸۶.
- ◀ زحمت‌کش، حسین، صور اناری، حسین، و ستارزاده، حسین، (۱۳۹۵). خوانشی انتقادی از ابعاد سیاسی شده نظریه جامعه و جهانی شدن شبکه‌ای مانوئل کاستلز، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۶ (۲۰). ۲۶۶-۲۶۶.
- ◀ سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه خواهران، (۱۳۹۵). مصوبه شماره ۱۰۱۳، جلسه شماره ۵، شورای عالی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۱.
- ◀ شارون، جوئل، (۱۳۹۷). ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ◀ شیرانی، زهرا، و جلالی بیدگلی، امیر، (۱۴۰۰). هم‌افزایی کاربران در شبکه علمی اجتماعی کوثر نت با استفاده از روش‌های خوشه‌بندی مبتنی بر گراف، فصلنامه مطالعات کسب و کار هوشمند، ۹ (۳۵). ۱۸۷-۲۱۶.
- ◀ صدر، محمدباقر (۱۳۸۸). سنت‌های تاریخ در قرآن ترجمه جمال موسوی، قم، دفتر انتشارات.
- ◀ صلواتیان، سیاوش، مردانی، زهرا، و سعادت، مجید، (۱۳۹۸). درآمدی بر سیاست‌گذاری آموزش سواد رسانه‌ای به طلاب در حوزه‌های علمیه، نشریه تربیت اسلامی، ۱۴ (۳۰). ۱۰۵-۱۳۰.
- ◀ عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن، و شیخ‌زاده، محمد، (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۰، ۱۵۱-۱۹۸.
- ◀ کاظمی، سیدمحمد، (۱۴۰۱). گونه‌شناسی طلاب کنشگر در شبکه اجتماعی اینستاگرام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.

- ◀ کریمی دردشتی، فاطمه، مولایی آرانی، مهدی، و کاظمی، سید محمد، (۱۴۰۰). گونه‌شناسی فعالیت‌های بانوان طلبه در شبکه اجتماعی اینستاگرام در ایام شیوع کرونا، دوفصلنامه علمی نامه فرهنگ و ارتباطات، ۵(۲). ۳۹-۶۵.
- ◀ مهدی آسا، محمدجواد(۱۴۰۱). آسیب‌های اخلاقی کنشگری کاربران حوزوی در شبکه‌های اجتماعی، کارشناسی ارشد، مدرسی اخلاقی اسلامی، قم، دانشگاه معارف اسلامی، تابستان.
- ◀ مهدی‌زاده، سید محمد، (۱۳۹۴). نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، چاپ چهارم، تهران، همشهری.
- ◀ وبر، ماکس، (۱۳۹۲). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر مرکز.
- ▶ Boyd, D. M, & Ellison, N. B. Social network sites: definition, history, and scholarship, *Journal of Computer-Mediated Communication*, 2007,13. P. 212.
- ▶ Boyatzis, R.E, *ransforming qualitative information: thematic analysis and code development*, *Qualitative Research in Psychology*; Vol.1998. Pp. 10-77.
- ▶ Braun, V, & Clarke, V. *Using thematic analysis in psychology*. *Qualitative Research in Psychology*, 2006 , P. P 81-85.
- ▶ Castells, Manuel. *The Rise of the Network Society*. 2nd ed. John Wiley & Sons.2010, P. p 1-30.
- ▶ Kikarea, Eirini & Menashe, Maayan, *The global governance of cyberspace: Reimagining private actors' accountability: Introduction* , *Cambridge International Law Journal*, Vol. 8, No. 2.2019. P. 164.
- ▶ Pempek, T., & et al, "College students' social networking experiences on Facebook", *Journal of Applied Developmental Psychology*,2009 , 30 . P. p 227-238.
- ▶ Longhurst,R, "Interviews: In-Depth, Semi-Structured", *International Encyclopedia of Human Geography*, 2009, P. p 580-582.